



رفیق احمد اعطا (احمد محمود) ، داستان سرای سرگذشت مبارزان راه توده ها ، تصویر گر هنرمند رنج ها و تلخ کامی ها و آرزوهای زحمتکشان ، باز آفریننده خلاق حوادثی که بر میهن ما گذشته است ، جهان ما را ترک کرد!

روزی جوانی وارد صفوف حزب توده ایران شد، چند بار به زندان افتاد (که شرح

روز جمعه ۱۲ مهرماه ۱۳۸۱، پس از گذشت چند روز در حالت اغما، قلب رفیق احمد اعطا (احمد محمود)، نویسنده و تصویر گر چیره دست و بزرگ رنج نامه توده ها، از تپش باز ایستاد. رفیق احمد اعطا، در چهارم دی ماه ۱۳۱۰، در اهواز، در خانواده یی کارگری، متولد شد. از

ادامه در صفحه ۳



شماره ۶۴۵، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۳ مهرماه ۱۳۸۱

طرح آمریکا برای اشغال نظامی عراق!

در صفحه ۷

ترکیه و گاز ایران

چندی پیش در خبرها آمده بود که، ترکیه اقدام به خرید گاز از ایران را به دلایلی متوقف کرده است. با سفر وزیر انرژی ترکیه به ایران در هفته گذشته، و به دنبال مذاکراتی که با مقامات ایرانی داشت، قرار شد صدور گاز ایران به ترکیه با شرایط جدید از سر گرفته شود. از هنگام توقف صدور گاز به ترکیه تاکنون اظهار نظرات گوناگونی از زبان مسئولان و دست اندرکاران بیان گردید که تا حدودی مسایل پشت پرده را افشا می کند. زنگنه وزیر نفت، با اشاره به اینکه مساله پیش آمده در خصوص صادرات گاز بین ایران و ترکیه تنها يك بحث تجاری اقتصادی است، گفت: "امیدواریم با تفاهم بین دو کشور این ارتباط مجدد برقرار شود. علت تاخیر ترکیه برای صدور گاز ترتیبات و تنظیمات اداری این کشور می باشد." (آفتاب یزد، ۱۴ مهر) اما احمد عظیمی، نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس در این ارتباط گفت: "مسئولان نفتی ترکیه، علت قطع واردات گاز از ایران را مربوط به بهداشتی نبودن گاز ایران و عدم رشد اقتصادی پیش بینی شده در این کشور دانسته اند، اما این در حالی است که تناقض گویی در دلایل ارائه شده احساس می شود." (آفتاب یزد، ۱۵ مهر) وی با اشاره به اقدامات اخیر روسیه مبنی بر ارزان

ادامه در صفحه ۲

آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار یورش به منافع کارگران و زحمتکشان

عالی کار فرمایان و کارگران پیش نویس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار را امضاء کرده اند، اعضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار باید به عنوان نمایندگان قانونی کارگران در باره این آیین نامه نظر دهند، ولی من به عنوان عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران که یک سوم شوراهای اسلامی کار کشور زیر مجموعه آن هستند اطلاعی از این توافق ندارم و نظر سایر اعضای کانون های عالی شوراهای اسلامی کار کشور نیز در این مورد خواسته نشده است." وی همچنین تصریح کرد: "در صورت تصویب نهایی این آیین نامه، بیشترین جمعیت کارگری کشور از شمول قانون کار خارج می شود..." فقط در محدوده استان تهران، جمعیت کثیری از کارگران در کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر به کار مشغول هستند. آمار رسمی دولت در این زمینه بیش از ۲ هزار کارگاه صنعتی است.

بعلاوه گفتنی است که، رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران تاکید می کند، در توافق به امضاء رسیده با انجمن صنفی کارفرمایان هیچ گونه مشورت و نظر خواهی از انجمن های صنفی کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر که طبق قانون نمایندگی کارگران را بر عهده دارند، صورت نپذیرفته است. به فاصله زمانی اندکی، از این موضع گیری، دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار به خبرگزاری ایسنا خاطر نشان ساخت: "نهایی شدن پیش نویس آیین نامه

ادامه در صفحه ۶

در ابتدای مهر ماه سال جاری، مطبوعات و خبرگزاری ها اعلام داشتند، پیش نویس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی در راستای کمیته سه جانبه در هفت ماده از سوی دبیر کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران و رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار رژیم مورد توافق قرار گرفته و به امضاء رسیده است. بر پایه این آیین نامه اجرایی، کلیه واحدها و کارگاههای صنعتی و خدماتی دارای کارگران کمتر از ۱۰ نفر در سراسر کشور از شمول قانون کار حذف می گردند. "خبرگزاری ایسنا در این خصوص گزارش داده بود: "... به موجب این آیین نامه تعداد کارگران، شرایط کار، و وضع تصویب نهایی این آیین نامه، شرایط کار، و روابط بین کارگر و کارفرما مصلحت هایی هستند که باعث شده اند، تدوین کنندگان آن، کارگاههای دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر را از شمول ۸۵ ماده قانون کار و مواردی از فصل تنبیهات و مجازاتها که مربوط به تنبیه و مجازات متخلفان از موادی است که در این آیین نامه حذف شده اند، خارج کنند..."

جالب اینجاست که، این آیین نامه از چنان محتوای ضد کارگری برخوردار است که، بلافاصله از سوی حتی برخی از عناصر و وابستگان به تشکل های زرد و ارتجاعی، مورد مخالفت و اعتراض قرار گرفت. در این باره، رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران در جریان یک گفتگو مطبوعاتی یاد آور شد: "براحتی نمی توان از شمول اکثر مواد قانون کار حتی به طور موقت و در دوره ای سه ساله خارج گردید با اینکه روسای کانون های

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نقش ارتجاعی سپاه پاسداران

نقش و جایگاه سپاه پاسداران در مناقشات سیاسی در طول چند سال اخیر در بین جناحین حکومت همیشه مورد بحث و جدل بوده است. سپاه پاسداران به موازات ژرفش جنبش مردمی نقش سرکوب گرانه ای داشته که پیدا و پنهان تاکنون آن را به مورد اجرا درآورده است. هفته گذشته به مناسبت روز پاسدار، علی خامنه ای و مقاماتی از سپاه اقدام به سخنرانی هایی کردند که تاکید دوباره بر نقش يك نهاد سرکوب گر از طرف آنان بود. علی خامنه ای در سخنرانی خویش بدین مناسبت، گفت: "پاسداری، يك فرهنگ است، يك فرهنگ عزت و افتخار است. پاسداری از دین و انقلاب که امروز این معنا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجسم است، صرفا يك حرکت نظامی نیست، پاسداری، يك فرهنگ است، جنبه عقیدتی و سیاسی و فداکاری و مجاهدت دارد، البته جنبه نظامی هم دارد، یعنی بازوی نظامی انقلاب محسوب بوده است و خواهد بود. همان طور که دیروز انقلاب به این پاسداری نیاز داشت، امروز هم نیاز دارد، فردا هم نیاز خواهد داشت، همیشه نیاز دارد." (اطلاعات بین المللی، ۱ مهرماه) عبدالله عراقی، یکی از فرماندهان لشکر سپاه با اشاره به اینکه امروز ولایت فقیه يك بازوی پرتوان و برنده دارد و این بازو، سپاه پاسداران است، گفت: "سپاه پاسداران مولود انقلاب اسلامی است و از ابتدای انقلاب، مسئولیت های سنگین و پرخطر را بر عهده داشته است و در جاهایی که نیاز به ریسک پذیری بوده، سپاه حضور پر قدرتی داشته است." (ایسنا، ۱۶ مهر)

سپاه پاسداران نیز در اطلاعیه ای به همین مناسبت اعلام کرد: "همه افتخار سپاه پاسداران آن است که تلاش دارد در راه حسین بن علی گام بردارد و کارنامه بیست و چهارساله حاکی از آن است که همواره جز در خط رهبری و مقام عظمای ولایت ره نسپرده است." (ایسنا، ۱۶ مهر) در بیانیه سپاه با اشاره به تحولات جاری در میهنمان، آمده است: "پاسداران و بسیجیان همچنان خود را خادم ملت و در خدمت انقلاب و نظام می دانند و قاطعانه اعلام می کنند اجازه نخواهند داد خواب های پریشان سکولاریسم، لیبرالیسم و جدایی دین از سیاست که تماما اقدام برای نفی آزادی و استقلال این مملکت است، تعبیر شوند. عده ای خیال نکنند با وعده هایی که بیگانگان پشت درهای بسته به آنها می دهند، خواهند توانست در مسیر اصلی نظام سد ایجاد کنند. بحران سازان و کسانی که صرفا در مناقشات قادر به ادامه حیات انگلی خود هستند به هوش آیند و بیش از پیش در دامان دشمنان در غلظند." سخنان خامنه ای و مسئولانی از سپاه و همچنین اعلامیه سپاه حاکی از تلاش مرتجعان حاکم برای رودرو قرار دادن این ارگان نظامی در مقابل خواسته های مردم و به نفع مقاصد ارتجاعی خویش می باشد. البته نقش ضد مردمی این ارگان سرکوب گر از بدو تاسیس، پاسداری از این نظام سرکوب گر بوده است، اما آن چیزی که باعث گردیده صحبت های اخیر از غلظت و تاکید بیشتری برخوردار شود یکی هم ناشی از برخوردهای جناحی می باشد. بر اساس بینش های جدید که معلوم نیست در رده های پایین سپاه تا چه حد گیرایی داشته باشد، اما به طور مسلم در راس فرماندهی با مهره چینی های هدفدار نیروهای وابسته به ذوب شدگان در ولایت، از اطمینان بالایی برخوردار است، این است که روند سرکوب گری این نیرو قرار است و باید شامل نیروهایی گردد که دوردور و یا نزدیک در ارتباط با "نظام" و سپاه بوده اند و به تعبیری "خودی" محسوب می گردیده اند. چنین بینشی باعث گردیده که اقدامات و سخنان هشدار گونه ای مشابه آن چیزی که کربوی در هفته گذشته مبنی بر عدم دخالت سپاه در مناقشات سیاسی ابراز کرد، درگیری های لفظی بی راه وجود آورد. آن چیزی که برای جنبش مردمی کاملا محرز است این است که نقش سپاه به عنوان يك نیروی سرکوب گر در خدمت رژیم ولایت فقیه همچنان ادامه خواهد داشت.

ادامه ترکیه و گاز ایران . . .

فروشی، جهت دستیابی به بازارهای جدید گفت: "با توجه به قراردادهای بسیار محکمی که بین ایران و ترکیه منعقد شده است، در صورت عدم استفاده ترکیه از گاز کشور ما، ایران می تواند با ارایه شکایتی به مجامع حقوقی بین المللی، از ترکیه خسارت دریافت کند." حسین آفریده، رئیس کمیسیون انرژی مجلس هم در این باره با رد غیر بهداشتی بودن گاز ایران، تاکید کرد: "عمده ترین بحث ترکیه بر سر قیمت گاز است و شاید نرخ های پیشنهادی روسیه در این امر دخیل باشد. در واقع ترکیه می خواهد گاز ارزان تری را خریداری نماید." (آفتاب یزد، ۱۶ مهر) به دنبال چنین اظهاراتی، زنگنه وزیر نفت، در دیدار با وزیر انرژی ترکیه، ضمن اینکه صدور گاز طبیعی به ترکیه را نقطه عطفی در روابط اقتصادی دو کشور دانست، گفت: "سفر وزیر ترکیه به ایران باید صفحه جدیدی را در بخش انرژی در روابط دو کشور بگشاید. ایران علاقمند است که یا به صورت مشترک برای بازاریابی در اروپا با ترکیه همکاری داشته باشد، یا این که ایران بازاریابی کند و به ترکیه حق ترانزیت بپردازد. ما امیدواریم که با همکاری تهران-آنکارا برای رسیدن به يك نقطه مشترک، مسایل و مشکلات ایجاد شده در مورد انتقال گاز طبیعی برطرف شود و گاز ایران با شرایط مناسب تر و با قیمت رقابتی عرضه شود." (حیات نو، ۱۷ مهر) وزیر انرژی ترکیه در يك مصاحبه مطبوعاتی بعد از مذاکراتش با مقامات ایرانی، ضمن اشاره به توجهات قبلی مبنی بر وضعیت بد اقتصادی که تجدید نظر در شرایط عرضه و تقاضای گاز را اجتناب ناپذیر کرده است، گفت: "ترکیه در سال ۱۹۹۶ میلادی يك قرارداد ۲۵ ساله واردات گاز از ایران به امضاء رساند و از دسامبر ۲۰۰۱ واردات گاز ایران را شروع کرده است. از ۲۴ ژوئیه گذشته واردات گاز از ایران به دلیل مطابق نبودن کیفیت آن با شرایط مندرج در قرارداد متوقف شد." (حیات نو، ۱۸ مهر) پس از این مذاکرات، زنگنه با اعلام اینکه ایران و ترکیه در مورد صدور مجدد گاز به تفاهم رسیده اند، گفت: "این تفاهم نامه در چارچوب قرارداد امضاء شده میان دو کشور در سال ۱۹۹۶ است." (آفتاب یزد، ۱۸ مهر) اما نکته جالب اینکه وی در خصوص توافق در مورد قیمت گاز گفت که فعلا قرار نیست قیمت گاز اعلام شود و افزود: "گاز قیمت بین المللی ندارد و هر قراردادی ساختار خود را دارد که در آن امکان انعطاف در چارچوب قرارداد وجود دارد" وی در مورد تضمین های لازم برای جلوگیری از تکرار قطع صادرات گاز از طرف ترکیه گفت: "قرارداد امضا شده دو کشور در سال ۱۹۹۶ میلادی روشن و مورد قبول دو کشور است و دو طرف در چارچوب همان قرارداد عمل می کنند." مساله قراردادهای نفتی و گاز با دیگر کشورها و شرکت های خارجی و پنهان کاری های معمول در ارتباط با آن، از مدت ها پیش موضوع بحث و جدل محافل سیاسی و نیروهای درگیر با آن بوده است. مساله اخیر و مشکل پیش آمده با ترکیه از این رو قابل بررسی است که نحوه يك قرارداد ۲۵ ساله برای صادر کردن گاز با کشوری همچون ترکیه بر اساس چه موازینی صورت گرفته است؟ با اینکه از محتوای چنین قراردادی اطلاعات کافی در دست نیست اما همین که کشور مورد معامله قادر است به راحتی نسبت به قطع و خرید گاز اقدام کند، خود جای سؤال دارد. نگاهی دوباره به اظهارات زنگنه نشان می دهد حتی بعد از مذاکرات اخیر با مقامات ترکیه، آن چیزی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، حفظ منافع ملی در این ارتباط می باشد. آن چیزی که در میان اظهارات تاکنونی می توان بر آن انگشت گذاشت این است که عمده منافع این قرارداد بلند مدت با توجه به شرایط کنونی، نصیب کشور ترکیه می گردد و در این رهگذر، ثروت ملی ایران به صورتی دیگر به هدر می رود. یکی از متخصصان مخازن نفتی کشور، اخیرا در گفتگو با ایسنا، ۱۹ مهرماه، با اشاره به اینکه گاز صادراتی ایران به ترکیه پنج برابر ارزاتر از تزریق در مخازن نفتی کشور فروخته می شود و صادرات گاز به ترکیه را دارای صرفه اقتصادی ندانست، گفت: "بر اساس محاسبات مهندسی انجام شده پیش از انقلاب و نیز زمان حال، به ازای تزریق هر دو تا چهار هزار پای مکعب گاز، می توان يك بشکه نفت اضافی از مخازن نفتی ایران به دست آورد که اگر قیمت نفت را حدود ۲۴ دلار برای هر بشکه فرض کنیم، ارزش برابری هزار پای مکعب گاز در صورت تزریق در مخازن نفتی، بین شش تا ۱۲ دلار است. در صورتی که به عنوان مثال قیمت گاز صادراتی ایران به ترکیه حدود ۲/۴ برای هزار پای مکعب در نظر گرفته شود، حدود ۲/۵ تا پنج برابر ارزاتر از تزریق فروخته می شود و این در حالی است که فاصله مرکز ترکیه حدود هزار کیلومتر دورتر از محل تزریق است و گاز تزریقی به مخازن نیز برای نسل های آینده باقی خواهد ماند.

ادامه رفیق احمد اعطا (احمد محمود) . . .



عکس از مراسم به خاک سپاری رفیق احمد محمود

ماجرای آن در رمان برجسته "همسایه ها" آمده است)، و سر آخر به بندر دور افتاده بی در خلیج فارس تبعید شد (حوادث این دوره نیز در رمان "داستان يك شهر" با هنرمندی نگاشته شده است)، و در سال ۱۳۳۶ از تبعید رها شد (داستان بلند "بازگشت" در مجموعه "دیدار"). برای گذران زندگی شغل های زیادی که به قول خودش از "بیست می گذرد" اختیار کرد. نخستین اثرش داستان کوتاه "صَب میشه" در ۱۳۳۳ و آخرین اثرش "درخت انجیر معابد" رومان دو جلدی در اواخر دهه ۷۰ به چاپ رسید. در فاصله میان این دو اثر به لحاظ زمانی، و شاید حتی تا چندی پیش از درگذشتش، دمی از شور آفرینش گری اش کاسته نشد.

"همسایه ها" در سال ۱۳۵۳ منتشر شد و فصل تازه ای در رمان نویسی ایران باز کرد. خوانندگان مشتاق رمان، خود را با اثری روبه رو دیدند که چه به لحاظ مضمون و چه از نظر هنر نگارش از جنس دیگری بود. پس از گذشت ۲۱ سال از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد و ادامه سلطه دیکتاتوری وابسته پهلوی، در روایتی هنرمندانه از کرد و کار قهرمانانه جوانی از تبار کارگران، در مقابله با سرکوب های رژیم، و پایداری او در برابر شکنجه گران (که یاد آور قهرمانی های نسل خلف او در پس از انقلاب و در برابر رژیم خودکامه دیگری ست)، آنچه که "بر سر مردم آمده بود" - تکیه کلام احمد محمود - بار دیگر در برابر دیدگان عبرت آموز نسل های آن دوران زنده می شود. "خالد" قهرمان رمان "همسایه ها"، با زندگی فردی و اجتماعی خاص خود، هر چند که به گذشته تعلق داشت، اما در اکنون آن دوره لهیب شوق و آرزو بر می افروخت. ذهن و زبان احمد محمود، آنچه را که دستگاه عظیم امنیتی، تبلیغاتی، مطبوعاتی رژیم می کوشید سپری شدن "گذشته" کهنه و پر آشوب بنمایاند، با چیره دستی غبار زدایی کرد و چونان گوهری درخشان در برابر دیدگان مشتاقان گرفت: بنگرید! به راه عدالت و حقوق مردم، این گونه مبارزه شده است! "خالد"، در رمان "داستان يك شهر"، در تبعید یکی از بنادر دور افتاده خلیج فارس، در ضمن سرنوشت هم‌زمان خود، افسران میهن پرست و مردم دوست سازمان نظامی حزب را در ذهن مرور می کند، که پایمردی و رشادت آنان گواهی بر راه و امر عادلانه ای است که پی گرفته اند: کیوان و مبشری، در سلولی تنگ، پیش از تیرباران شطرنج بازی می کنند، و بعد به بحث ادبی می پردازند، و لحظه هایی پس از آن به چوبه های تیرباران بسته می شوند. خاطره این قهرمانی ها در راه بهبود شرایط مردم و جامعه ایران، با درهم آمیختن با تصویرهای هنرمندانه احمد محمود از زندگی مشقت بار و سرتاپا محرومیت مردم در کناره خلیج فارس، معنا و ابعاد ژرفی به خود می گیرد. قلم هنرمندانه احمد محمود، مهم ترین کار ادبی درباره جنگ

ایران و عراق را ارائه می دهد، و بر نقش زحمتکشان در سازمان دهی عادلانه زندگی روز مره، در شرایط بحرانی آن دوران، تأکید می ورزد، امری که بسیاری را خوش نمی آید، و چهره نفرت انگیز، خونین و ضد مردمی جنگ را به دقت ترسیم می کند. رمان سه جلدی "مدار صفر درجه" صرف نظر از نکات هنرمندانه در کشف روحی مردمان پایین دست، از جنبش مردم در دگرگون کردن شرایط اجتماعی و امید آنان به بهبود اوضاع، با وجود هشدار برخی قهرمان های رمان به سوء استفاده از شور توده ها، که وجه غالب رمان نیست، سخن می گوید. و رمان در مقطع پیروزی پیش رو انقلاب به پایان می رسد. انقلابی که پس از اندک زمانی - در خارج از رمان - به اهداف مردمی آن خیانت می شود. در "درخت انجیر معابد" فساد و تباهی سال های آخر رژیم شاه، سال های قبل از عبور از دروازه تمدن بزرگ، تصویر می شود، که اعضای خانواده بی از طبقات بالا را نیز شامل می شود، و همچنین رشد قارچ گونه انگل های اقتصادی در متن گرفتاری های بی شمار مادی و روحی مردم زحمتکش و پناه بردنشان به خرافه با حساسیتی هنرمندانه بیان می شود.

از نظر نوع نگارش، بنا بر کارهای اولیه و در کارهای بعدی و تحول یافته احمد محمود، تأثیر هدایت و ناتواریسم چوبک دیده می شود. اما احمد محمود زبانی را خود از کار در می آورد که از نظر دقت در کار برد واژه ها، و فراتر از این، سادگی و شفافیت بیان، مخصوص به خود احمد محمود است. در بافت کلامی آثار احمد محمود بندرت به واژه ها و جمله هایی بر می خوریم که بتوان آنها را حذف کرد و یا نادیده گرفت، نتیجه چنین کار برد دقیقی از واژه ها و جمله ها، بیانی ست منسجم، زلال و دلاتگر. تردیدی نیست که اگر زنده یاد احمد محمود هنوز در میان ما بود ما شاهد آثار تازه تری از او می بودیم. با این همه، میراث ادبی، هنرمندانه و ارجمند احمد محمود در آینده ادبیات داستانی میهن مان تأثیر و نفوذ قطعی خواهد داشت. یاد رفیق احمد اعطا (احمد محمود)، هنرمند و نویسنده زوایای زندگی توده های رنج، تصویر گر بزرگ سرگذشت مبارزان راه مردم برای زندگی و جامعه بی عادلانه، گرامی و جاودان باد.

آثار زنده یاد احمد محمود عبادتند از: مول (۱۳۳۶)، دریا هنوز آرام است (۱۳۳۹)، بیهودگی (۱۳۴۱)، زائری زیر باران (۱۳۴۶)، پسرک بومی (۱۳۵۰)، غریبه ها (۱۳۵۰)، همسایه ها (۱۳۵۳)، داستان يك شهر (۱۳۵۸)، زمین سوخته (۱۳۶۱)، دیدار (۱۳۶۹)، قصه آشنا (۱۳۷۰)، از مسافر تا تب خال (۱۳۷۱)، مدار صفر درجه (۱۳۷۲)، حکایت حال، مصاحبه با لیلی گلستان (۱۳۷۴)، آدم زنده (۱۳۷۶) و درخت انجیر معابد (۱۳۷۹).

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

قاچاق گوشت فاسد

هفته گذشته توزیع و قاچاق مقادیر معتدبهی گوشت فاسد در کشور، از جمله خبرهایی بود که در صفحات روزنامه های مجاز کشور، مورد توجه قرار گرفته بود. روزنامه "رسالت"، ۱۵ مهرماه، از قول رئیس سازمان دامپزشکی نوشت: "تبانی قاچاقچیان گوشت، صاحب سردخانه و یکی از کارشناسان ناظر سازمان دامپزشکی زمینه عرضه گوشت آلوده در کشور را فراهم کرده است. وابستگی های ناظرین بهداشتی به صاحبان کالا بزرگترین معضل این سازمان برای ایفای نقش نظارتی است." بدین ترتیب اولین تلاش مافیای اقتصادی برای آدرس عوضی دادن به مردم را روزنامه رسالت به عهده گرفت. روزنامه اعتماد ۱۷ مهرماه، در این باره خبری متفاوت با آن چه که رسالت اعلام کرده است دارد. این روزنامه سخنان مشاور معاون غذا و داروی بهداشت در این باره را چاپ کرده است که می گوید: "این گوشت ها بدون مجوز سازمان دامپزشکی و گویا به صورت قاچاق وارد کشور شده است. این گوشت ها در پاکستان و هندوستان ذبح شده و همانجا بسته بندی و عرضه شده اند. این گوشت ها اول به عربستان سعودی رفته که آنجا به دلیل آلودگی، خریداری نشده و بعد هم به امارات برده شده که از آنجا نیز برگشته است. پس از آن عده یی آن را خریداری کرده و به صورت قاچاق وارد بنادر جنوبی کرده اند. بعداً بدون آرایه هیچگونه مجوزی در سردخانه رازی تخلیه شده است. این سردخانه با اینکه خصوصی است اما در اختیار معاونت دام وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد و معلوم نیست این گوشت ها با چه مجوزی از سردخانه خارج شده اند." وی از کشف ۸ تن از این گوشت های فاسد خبر داده است. صرف نظر از چگونگی وارد شدن این گوشت ها به داخل کشور آن هم به میزان زیاد، موضوع مهم نگرانی از سلامت مردم در صورت استفاده از این گوشت ها است. پزشکین در پاسخ به اینکه آیا وزارت بهداشت به مردم اطمینان می دهد که گوشت های موجود در بازار آلوده نیست، گفت: "باید جهاد کشاورزی که مسئول رسیدگی به این مسأله است، این اطمینان را بدهد، ولی آنچه به ما اعلام شده است، این است که گوشت هایی که مهر جهاد کشاورزی با تاریخ و زمانی که دارد، سالم است." (ایسنا، ۱۷ مهر) سخنان پزشکین و رفع مسئولیت از خود و وزارتخانه تحت مسئولیتش به خوبی نشان می دهد که در پشت اخبار این قاچاق مرگ نکته های نگفته ای وجود دارد که بر حسب تجربه ریشه در منافع حاکمان فاسد دارد. وی در جایی دیگر در همین ارتباط گفت: "اصولاً گوشت ها را وزارت جهاد کشاورزی تحویل می گیرد و ورود به سردخانه باید مجوز وزارت کشاورزی را داشته باشد و خروج از سردخانه نیز باید مجوز داشته باشد." برای اینکه میزان گسترده این گوشت های فاسد مشخص شود سخنان مدیر کل مبارزه با جرایم اقتصادی نیروی انتظامی، جالب است. وی می گوید: "گوشت های آلوده که به صورت قاچاق وارد کشور شده اند به دو بخش تقسیم شده اند که يك بخش آن را گوشت های برزیلی مصرف گذشته تشکیل داده و در تهران کشف شده است. این گوشت ها با مجوز شرکت پشتیبانی دام وارد شده ولی تاریخ آن گذشته است." (حیات نو، ۱۷ مهرماه) وی در اشاره به قاچاق گوشت های هندی گفت: "قرار بود این محموله به کارخانه صنعتی مواد غذایی در فارس برسد که با اقدام به موقع، مجموع ۳۰ تن گوشت های آلوده شده کشف شد. از محموله وارد شده ۱۷ تن در هرمزگان، ۱۰ تن در فارس و ۳ تن در اطراف میانب کشف شد که در این رابطه ۱۲ نفر نیز در هرمزگان دستگیر شده اند." بر خلاف

ادعاهای پوچ رسالت، اظهارات این مقام انتظامی کاملاً مشخص می کند چنین قاچاق خطرناکی که در ارتباط مستقیم با جان و زندگی هزاران نفر از هم میهنان زحمتکش دارد، نه در تبانی يك شخص هنگام نظارت، که در ارتباط با بنیان فاسدی دارد که در طول چند سال گذشته به "آقازاده ها" معروف گردیده اند. علیرغم افشاگری های گسترده ای که در این رابطه تاکنون صورت گرفته و مردم به خوبی آنها را می شناسند و مطمئن هستند که شامل بالاترین مقامات حکومتی می باشند، منتها و متاسفانه به هر دلیلی عرصه عمل آنها و بخصوص به صورتی که مردم زحمتکش را با خطرات جانی مواجه می سازند اقدام بایسته صورت نگرفته و امید نمی رود با توجه به ساختارهای کنونی حاکم چنین امری صورت بگیرد. نگاهی دوباره به آمارهای اعلام شده مقام انتظامی به خوبی نشان می دهد وارد کردن چنین حجمی از گوشت فاسد، بدون تبانی با مقامات بالای حکومتی امکان پذیر نمی باشد. همین صحبت های ضد و نقیص مقامات حکومتی و رفع مسئولیت از خویش دلیلی دیگر بر این مدعا می باشد. در آخرین واکنش ها به این امر ایسنا، ۱۹ مهر ماه گزارش داد که روابط عمومی وزارت جهاد کشاورزی در تکذیب نامه ای، آورده است: "شرکت پشتیبانی دام کشور اصولاً مرجع ورود گوشت به کشور نیست و تاکنون هیچ مجوزی برای واردات گوشت برای هیچ شخص حقیقی یا حقوق صادر نکرده و این خبر بشدت تکذیب می شود."

لازم به تذکر است که اخیراً قیمت گوشت به صورت ناگهانی به میزان زیادی افزایش یافت. شاید مافیای مرگ با يك برنامه ریزی قبلی قصد داشت با تنظیم بازار به نفع خویش، و در معرض خطر قرار دادن جان انسان ها به ثروت های نجومی خویش باز هم بیفزاید.

ادامه طرح آمریکا برای اشغال نظامی عراق . . .

صدام را باید مستقیماً با موافقت سران رژیم ولایت فقیه با نتایج این مذاکرات یعنی "تغییر رژیم" در عراق ممکن دانست. علی شمشخانی، وزیر دفاع، اخیراً گفت که در صورت حمله آمریکا به عراق، ایران با آن مخالفت نخواهد کرد. ایران با اتخاذ سیاست "بی طرفی فعال" این طور اعلام کرده است که تلاش دارد تا از وقوع جنگ در منطقه جلوگیری کند. اما در صورت بروز جنگ نیز از هیچ طرفی پشتیبانی نخواهد کرد. از سوی دیگر گرچه گزارش های دقیقی در مورد جزئیات مذاکرات جک استراو با دولت جمهوری اسلامی در جریان سفر وزیر خارجه انگلستان به تهران در هفته گذشته منتشر نشده است، ولیکن مواضع کشار خزازی در کنفرانس مطبوعاتی او بدنبال مذاکره با استراو در رابطه با موضع ایران در رابطه با حمله نظامی قریب الوقوع به عراق و اظهار خوشنودی دولت انگلستان از نتایج سفر وزیر خارجه خود افشاگر محتوای واقعی موافقت ها می باشد.

حزب توده ایران بر این باور است که حمله نظامی آمریکا به عراق، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه اوضاع خاورمیانه را بی ثبات تر خواهد کرد و باعث تشنج و درگیری های بیشتری در منطقه خواهد شد. درگیری هایی که با حضور مستقیم نیروهای آمریکایی در منطقه می تواند ابعاد وسیع تر و خطرناک تری به خود بگیرد. پیش بینی برخی تحلیلگران سیاسی در مورد اینکه موفقیت طرح آمریکا در مورد عراق می تواند، الگوی برخورد ایالات متحده با ایران و سوریه را در مرحله بعد تعیین کند، جایی برای خوش بینی باقی نمی گذارد. در چنین شرایطی دفاع از این جنگ از جانب هر نیرویی که باشد و با هر توجیهی، محکوم است.

ادامه مصاحبه "نامه مردم" با رفیق اسکار.

باشیم.

حزب کمونیست ونزوئلا يك روند تجدید ساختار همه جانبه و سراسری را از سر گذرانده است. ما درباره این پروسه در کنگره دهم حزب در سال ۱۹۹۶ تصمیم گرفتیم. در آن کنگره حزب با این حقیقت رو به رو بود که نقش آن در حیات سیاسی کشور و مبارزه زحمتکشان در حال از بین رفتن است. این وضعیت به خاطر شرایطی بود که در آن سال ها با آن رو به رو بودیم.

اول اینکه وقوع چندین انشعاب، حزب کونیست ونزوئلا را تضعیف کرده و شکست های انتخاباتی، سیاسی و مبارزاتی ای را باعث شده بود. شقه شقه شدن حزب و اختلافات داخلی را باید محصول عدم وجود وحدت نظری و تشکیلاتی در حزب دانست. حزب رهبری واحد و یگانه ای نداشت. حزب عملاً از ایفای يك نقش موثر سیاسی در حیات کشور عاجز بود. این شرایط دشوار داخلی که در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی حیات حزب را فرا گرفته بود، با عامل مهم اثرات بحران جهانی به دلیل سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی اروپای شرقی مخلوط شده و وضعیتی بحرانی ایجاد کرده بود.

این عوامل عملاً حزب را در شرایطی قرار دادند که تقریباً تاثیر آن در مبارزات سیاسی کشور محو شده بود.

در شش سال گذشته و از کنگره ۱۰ به بعد ما موفق شده ایم که شرایط مساعدی را در حیات داخلی حزب ایجاد کنیم و در رابطه با پیشبرد بازسازی همه جانبه حزب در سراسر کشور به وحدت دست بیابیم. آخرین کنگره حزب در ماه مارس ۲۰۰۲ دوره بازسازی را پایان یافته اعلام کرد و ارزیابی کرد که حزب در عرصه های مختلف نظیر بخش های کارگری، دهقانی و زنان پیشرفت هایی داشته است. همچنین حزب اکنون رهبری متحد و جوانی دارد که متوسط سن آن ۳۵ سال است. رهبری حزب موفق شده است که رهبران قدیمی و بانجریه حزب را با کادرهایی از نسل جدید مبارزان انقلابی حزبی پیوند دهد.

رهبری کنونی حزب از وحدت قدرتمند و وحدت سیاسی بهره مند است. در تصویر موفقیت حزب در غلبه بر مشکلات داخلی و اعاده موقعیت برجسته آن در مبارزات زحمتکشان کشور همین بس که به افتتاح کنگره یازدهم حزب در روز ۸ مارس (روز جهانی زن) توسط رئیس جمهوری ونزوئلا، هوگو چاوز، اشاره کنم.

آنچه که در بازسازی حزب تعیین کننده بوده است عادت و تمایل به مبارزه متحد در راستای اهداف حزب و اجرای تصمیم های اتخاذ شده از سوی رهبری می باشد و لذا می توان گفت که حزب در روند قدرتمند نیروگیری می باشد. البته باید اذعان کنم که حزب کمونیست ونزوئلا هنوز سازمان کوچکی است و نمی تواند به همه نیاز های مبارزه در جامعه پاسخ بدهد. اما واقعیت اینست که کمونیست های ونزوئلا تلاش می کنند تا بتوانند به نیاز های اوضاع حاضر پاسخ بدهند. س: ارزیابی شما از هوگو چاوز و عملکرد او در مقام ریاست جمهور چیست؟

پاسخ: حزب ما چاوز را به عنوان يك رهبر کریسماتیک، محبوب، دموکرات، ملی و میهن

پرست ارزیابی می کند. چاوز از سوی محرومان جامعه، حاشیه نشینان و زاغه نشینان شهرهای بزرگ، و توده های مردم حمایت می شود و همچنین از نفوذ بالایی در میان سربازان و رده های میانی ارتش برخوردار است. چاوز همچنین مورد حمایت دهقانان و قشرهای باثینی طبقات متوسط است. در مقابل الیگارشی کشور و قشرهای بالایی طبقات متوسط و نیروهای روشنفکر مرفه مخالف سیاست های چاوز و ادامه ریاست جمهوری او هستند. یکی از مشخصه های برجسته چاوز مهارت او در استفاده از رسانه های همگانی است. او از طریق برنامه هفتگی یی که در تلویزیون ملی و رادیو سراسری دارد، نقطه نظرات و سیاست های خود را در مورد مسایل مطرح می کند و همراهی خود با توده ها و آگاهی خود به دردها و خواسته های آنان نشان می دهد. مسایل سیاسی و جهتی که او مطرح می کند، مورد توافق حزب کمونیست ونزوئلا است. این نقطه نظرها در محتوای اصلی عمدتاً ضد نولیبرالی اند. ما همچنین با شیوه تصمیم گیری، نحوه آموزش و آگاهی دادن به توده ها در مورد سیاست هایی که در پیش روی جامعه قرار دارد، با او هم نظر هستیم. خط سیاسی چاوز در اساس در قانون اساسی تبلور یافته است. در قانون اساسی جمهوری بولیواری ونزوئلا. این برنامه این مرحله انقلاب است. محتوای این برنامه متوجه ایجاد يك کشور با حاکمیت مستقل در ونزوئلا و تعهد به ایفای نقش در ساختمان يك آمریکای لاتین متحد می باشد. این مساله دربر دارنده این حقیقت است که تضادهای اساسی این مرحله با امپریالیسم و حامیان امپریالیسم در کشور است. ما کمونیست ها این روند را به مثابه مرحله ملی دموکراتیک و ضد امپریالیستی، ضد انحصاری با دورنمای سوسیالیستی معرفی می کنیم. ما مرحله اول این روند را آغاز کرده ایم. . . . عمدتاً کوشش می شود که توان خود را بالا ببریم و شرایطی را به وجود بیاوریم که طبقه کارگر به نیروی اصلی در این مبارزه بدل شود. این حقیقتی است که در حال حاضر طبقه کارگر عامل عمده و اساسی در روند تحولات نیست اما تضمینی وجود ندارد که طبقات متوسط که در حال حاضر رهبری روند را به دست دارند، تا پایان به این روند که مورد نظر ما است، وفادار بمانند.

س: رفیق اسکار کودتای آوریل برضند چاوز این وحشت را ایجاد کرد که بار دیگر نیروهای مخالف دموکراسی و حاکمیت مردم در آمریکای لاتین در صدد عقیم کردن خواسته مردم می باشند. در رابطه با این کودتا و بنیان آن توضیحاتی بدهید.

پاسخ: ما معتقدیم که کودتا گرچه در اساس از خارج از ونزوئلا هدایت می شد، اما سرمایه داری بزرگ ونزوئلا فعالانه در آن شرکت داشت. دولت آمریکای شمالی از همان لحظه ای که چاوز به ریاست جمهوری انتخاب شد، صریحاً اعلام کرده که حاضر به تحمل او نیست. برنامه آنها اینست که تحت هدایت نیروهای امنیتی ایالات متحده و با حمایت مالی از خارج کشور از شر چاوز خلاص شوند. در این طرح بخش هایی از سرمایه بزرگ هم داخلی و هم فراملی بصورت خیلی فعالانه شرکت دارند. نقش مرکزی فدراسیون صاحبان صنایع ونزوئلا در فعالیت های براندازی خود منعکس کننده این حقیقت است. در جریان کودتای ناموفق در آوریل رهبر این فدراسیون به مقام رئیس جمهور حکومت کودتا گمارده شد. کودتا چنان سعی دارند که چاوز را به عنوان يك مخالف دموکراسی معرفی کنند و با استفاده از کنترل تقریباً بلامنازعی که بر رسانه های گروهی دارند به مردم القاء کنند که او در صدد استقرار دیکتاتوری است. اما واقعیت اینست که دوره ۴ ساله ریاست جمهوری چاوز مصادف بوده است با شرکت بی سابقه مردم در تمامی پرونده های تعیین کننده در ونزوئلا. چاوز نقش مستقیم توده ها در تعیین سرنوشتشان را قبول و در جهت جاری کردن آن عمل کرده است. در مورد تمامی

اقدامات اصلی سیاسی در این دوره با رای مستقیم توده ها و نه در پشت در های بسته تصمیم گیری شده است. چاوز با تشکیل قانونی مجلس موسسان از طریق رای مردم (۸۵ درصد) روند تغییر قانون اساسی ضد دموکراتیک قبلی را ممکن کرد. قانون اساسی جدید برای ۷۲ درصد مردم تصویب گردید و آنگاه چاوز در انتخابات جدید و کاملاً دموکراتیکی بر اساس مفاد این قانون اساسی جدید در ژوئیه ۲۰۰۰ برای مدت شش سال به ریاست جمهوری انتخاب شد. حالا چون سرمایه داری بزرگ بومی و ایالات متحده با سیاست های مترقی و مدافع زحمتکشان چاوز، با سیاست خارجی مترقی و غیر متعهد او موافق نیستند، سعی دارند او را ساقط کنند.

حقیقت اینست که رخداد ها و تحولات پس از ۱۱ سپتامبر سال گذشته پروسه توطئه برای برکناری چاوز و بر ضد انقلاب بولیواری در ونزوئلا را شتاب بخشیده است. در ۱۱ سپتامبر پریزیدنت چاوز بیانیه یی صادر و این اقدام تروریستی را محکوم کرد. اما او همچنین تروریسم دولتی را نیز محکوم کرد و گفت که با تروریسم نمی توان با شیوه های تروریستی مبارزه کرد. او شیوه برخورد ایالات متحده را متوجه متزلزل کردن ثبات در جهان و شتاب بخشیدن به روندهای تروریستی دانست. دلیل واقعی شدت یافتن توطئه ها علیه ونزوئلا اینست که آن ها نمی خواهند تجربه يك کشور برای تقویت استقلال و حاکمیت ملی را در آمریکای لاتین قبول کنند. آن ها به ویژه تحمل چنین روندی را در ونزوئلا ندارند، زیرا ونزوئلا يك کشور دارای اهمیت استراتژیک است. و مخالف ایجاد

“منطقه آزاد تجاری آمریکا” (FTAA) است که پروژه استراتژیک ایالات متحده برای الحاق اقتصاد های کشورهای

آمریکای لاتین می باشد. طرح “منطقه آزاد تجاری آمریکا” تمامی قاره آمریکا را دربر خواهد گرفت و آزادی عمل ایالات متحده را در کنترل تمامی اقتصاد های کشورهای این قاره تضمین می کند. همچنین چاوز مخالفت ونزوئلا را با مداخله دولت ایالات متحده در قاره آمریکا علناً ابراز کرده است. بخاطر اینکه ونزوئلا اجازه نمی دهد از خاکش برای حمله به نیروهای انقلابی کلمبیا و یا ایجاد يك پایگاه نظامی استفاده بکنند. ونزوئلا با سیاست های امپریالیستی مخالفت می کند زیرا طرح های امپریالیسم در آمریکای لاتین ناقض روند های حاکمیت ملی است.

ادامه آییننامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار . . .

اجرائی ماده ۱۹۱ قانون کار به توافق تمام نمایندگان کارگران و کارفرمایان موکول شده بود، ولی روند مذاکرات بر اساس توافق های صورت گرفته، انجام نشده است. " او در ادامه اضافه کرد: " اجرای دستور العمل و بخشنامه صادره از سوی معاون اول رئیس جمهور به منظور کاهش هزینه های نیروی کار برای بررسی ظرفیتهای بالقوه قانون کار، مستلزم تشکیل کمیته بررسی قانون کار و تدوین آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار است."

تدوین و تصویب آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، بر خلاف ادعای گردانندگان تشکل های زرد و ارتجاعی، صرفاً مبحث و موضوعی حقوقی نیست که این و یا آن تشکل وابسته به رژیم ولایت فقیه بر سر آن با کارفرمایان اختلاف داشته و برای حل اختلاف به چانه زنی بپردازند.

جنبه حقوقی در این موضوع، یک مساله فرعی قلمداد می شود. اصل مساله اینست که، پیش نویس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، ادامه تلاش گسترده مسئولان رژیم، پیرامون اصلاح قانون کار است که، مخالفت و وسیع و متشکل کارگران و زحمتکشان را به دنبال داشته و دارد. در حقیقت آیین نامه ۱۹۱ دنباله و ادامه همان سیاست ضد کارگری تامین نیروی کار ارزان و مطیع برای انحصارات فراملی و بخش خصوصی غیر مولد و انگلی کشور است. از هم اکنون، بسیاری از کارفرمایان بخش خصوصی برای بهره مند شدن از مزایای فراوان این آیین نامه اجرایی به نحوی چشم گیر به اخراج کارگران خود از کارگاهها و واحد مختلف مشغول شده اند تا مرز نیروی کار خود را به ۱۰ نفر برسانند!!! در عین حال این نوع کارفرمایان نه تنها نیروی کار خود را تقلیل می دهند، بلکه با برنامه یی مشخص از فعالیت در عرصه صنعتی و تولیدی که به زعم آنها سود آور نیست، به عرصه غیر مولد یعنی دلالی و واسطه گری گام بر می دارند. عرصه یی که در سایه رژیم واپس گرای ولایت فقیه، پرسود و منفعت آور شده است!

به علاوه باید متذکر شد که، بی جهت نیست، آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ همزمان با انتشار گزارش رسمی صندوق بین المللی پول در باره ایران طرح می گردد. در این گزارش، این نهاد قدرتمند و مخرب سرمایه داری جهانی ضمن تمجید از اقدامات جمهوری اسلامی، بار دیگر بر سیاست تامین امنیت سرمایه تاکید نموده و هرگونه کمک به رژیم را منوط به اجرای کامل طرح اصلاح ساختار اقتصادی دانسته و می داند یکی از اجزای مهم و اساسی طرح فوق، تغییر و اصلاح قانون کار است. برای پی بردن به واقعیت این مساله، توجه به مقاله روزنامه همشهری در اواخر خرداد ماه امسال ضروری است. همشهری در باره ضرورت اصلاح و تغییر قانون کار از جمله نوشته بود: "قانون کار ایران در زمانی که تشکل های کارگری رسمی از نظر قدرت سیاسی نسبت به تشکل های کارفرمایی برتری مطلق داشتند و وزارت کار نیز به عنوان نماینده دولت با تشکل های کارفرمایی سازگارتر بود تدوین و در یک فضای سیاسی خاص تصویب شد. اجرای قانون کار به ویژه با عادی شدن شرایط فعالیت های اقتصادی (بخوان اجرای فرامین صندوق بین المللی پول) در عمل محل مناقشه شده و تشدید اختلافهای تئوریک و عملی در باره ماهیت آن نشان می دهد که نیاز به اصلاح دارد... اصرار نهاد دولت، نهاد کارگری و کارفرمایی برای شروع کار کمیته اصلاح قانون کار اکنون امیدواری زیادی ایجاد کرده است... قانون برای این وضع می شود که مناسبات گروههای تشکیل دهنده جامعه را تعدیل و به سمت تعادل در منافع رهنمون کند... (همشهری به نقل از اطلاعات بین المللی، چهارشنبه ۲۹ خرداد ماه ۸۱).

واقعیت در همین جملات نهفته است، شرایط سیاسی تغییر کرده و اکنون باید دستاوردهای تاریخی کارگران را مورد تعرض قرار داد. معنای تعدیل و تعامل در منافع نیز روشن است. تیره روزی و رنج زحمتکشان به بهای سود و "سعادت" سرمایه داران! آیا بی حقوقی و عدم امنیت شغلی و خروج اکثریت قاطع جمعیت حقوق بگیر کشور از شمول قانون کار تعادل در منافع طبقات مختلف است؟! جملات روزنامه همشهری به خوبی منافع طبقات و ژرفای مبارزه طبقاتی را آشکار می سازد و چهره ریاکار کسانی را که از سیاست زدایی در جنبش سندیکایی دم می زنند، افشاء می کند. همچنین یاد آوری این نکته نیز بی فایده نیست که در اثر اجرای همین سیاستهای ضد کارگری، بانک جهانی پس از ۲۸ سال در یک اقدام بی سابقه با تایید برنامه های اقتصادی رژیم ولایت فقیه، تصمیم به پرداخت وام های کلان با بهره های سنگین به جمهوری اسلامی را اعلام داشته است. در وهله نخست وامی به مبلغ ۷۵۵ میلیون دلار پرداخت خواهد شد، آنهم طی ۲ سال آینده و سپس

به مرور چند موسسه سرمایه گذاری وابسته به بانک جهانی، تا سقف ۳ میلیارد دلار به شرکتها و موسسات خصوصی ایران وام خواهند داد. از سال ۱۹۷۴ میلادی به این سو، این اقدام بانک جهانی در مورد ایران بی سابقه بوده است. این است معنای واقعی تغییر شرایط سیاسی و عادی شدن روابط اقتصادی به زعم رهبران رژیم واپس گرای ولایت فقیه است. اصلاح قانون کار از موضع ارتجاعی نیز پیامد این تغییر شرایط قلمداد می شود!

در همین زمینه فراموش نباید کرد که، قبل از طرح آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، و خروج کارگران شاغل در واحدهای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون، معاون بانک مرکزی جمهوری اسلامی با صراحت گفته بود: "نرمش در اجرای قانون کار در سطوح کارگاه های کوچک از مواردی است که در جهت تشویق سرمایه گذاری (خارجی) صورت گرفت!"

اکنون با نهای شدن این آیین نامه اجرایی، نزدیک به ۴ میلیون نفر از کارگران و زحمتکشان میهن ما از شمول قانون کار حذف شده و مورد استعمار بی رحمانه و وحشیانه انحصارات فراملی قرار می گیرند. کارگران ایران قربانی ورود و حضور انحصارات غارتگر فراملی به شمار می آیند. با حذف کارگاه ها و واحد های صنعتی کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول قانون کار، حقوقی چون بیمه اجتماعی، بازنشستگی، طبقه بندی مشاغل، حق اولاد، مرخصی و غیره دیگر شامل ۴ میلیون زحمتکش ایرانی نمی شود. سرنوشت میلیونها کارگر و خانواده آنها اسیر چنگال آزمند سرمایه داری آنها در عصر جهانی شدن می گردد. در این میان نکته فوق العاده با اهمیتی خودنمایی می کند که، توجه به آن با هدف کسب تجربه در مبارزه امروز و فردا ضرور است. این نکته، نقش مخرب و ریاکارانه تشکل های ارتجاعی در خدمت رژیم ولایت فقیه است. این تشکل ها که ادعای نمایندگی کارگران را دارند، در عمل چیزی جز هموار کننده راه تامین منافع سرمایه داران داخلی و خارجی محسوب نمی شوند. حزب ما، درست در گرماگرم بحث اصلاح قانون کار، با تشخیص درست از نقش و ماهیت این تشکل های زرد و اهداف واقعی آنها نوشت: "آموزش شمارگی از نهادهای حکومتی از جمله خانه کارگر و گردانندگان روزنامه کار و کارگر با حرارت بسیار از مقاومت در برابر اصلاح قانون کار سخن می گویند و آن را در محدوده مورد تمایل خود یعنی ضرورت حفظ مصالح نظام خلاصه می کنند... خانه کارگر و دیگر تشکل های نظیر آن که در خدمت رژیم قرار دارند، می کوشند مبارزه کارگران صرفاً و صرفاً در محدوده مورد قبول نظام صورت بگیرد و محتوی واقعی مبارزه که اتفاقاً کارگران هوشیار به آن توجه دارند، یعنی سمت گیری اقتصادی_ اجتماعی جمهوری اسلامی، از زیر ضربه خارج شده و به آن پرداخته نگردد..." (نامه مردم، شماره ۶۴۲)

به علاوه باید افزود، سیر حوادث و یورش سنگین ارتجاع به حقوق و منافع طبقه کارگر ایران، اهمیت ایجاد تشکل های مستقل صنفی، سندیکاهای واقعی کارگری که بر پایه صحیح طبقاتی سازماندهی شده باشد را برجسته ساخته و به یک اولویت انکارناپذیر تبدیل کرده است. در جریان توافق و امضاء آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار که ضربه ای جدی به حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر ایران به شمار می آید، زحمتکشان به روشنی با چهره واقعی تشکل های ارتجاعی چون شوراهای اسلامی کار مواجه شدند. زندگی بزرگترین آموزگار است و کارگران در زندگی روزمره به ماهیت این تشکل ها پی برده و می برند. و این آگاهی به معنای آن است، بر خلاف تبلیغات رژیم ولایت فقیه و برخی مدعیان جنبش سندیکایی، هیچ تشکلی هرگز جای سندیکاها را که مدافع منافع صنفی_رفاهی کارگران هستند، نمی تواند بگیرد. از این رو، یکی از شرط های تامین منافع صنفی_رفاهی زحمتکشان در شرایط دشوار و بسیار نامساعد کنونی، مبارزه آگاهانه بر پایه تلفیق کار علنی و مخفی با هدف ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری است. فقط از این راه می توان سدی در برابر یورش ارتجاع به حقوق زحمتکشان ایجاد کرد.

طرح آمریکا برای اشغال نظامی عراق!

رسانه های خبری جهان، از جمله روزنامه انگلیسی زبان "گاردین"، گزارش های متعددی در رابطه با طرح جدید آمریکا برای اشغال نظامی عراق منتشر کردند. بر طبق این گزارش ها دولت آمریکا بی اعتنا به اعلام نگرانی های سازمان ملل متحد و افکار عمومی بین المللی در صدد است که يك ژنرال آمریکایی را عهده دار تشکیل رژیم در عراق نماید. این طرح گویا بر اساس مدلی است که در پایان جنگ جهانی دوم در ژاپن پیاده شد.

طرح ایالات متحده برای حاکمیت آینده عراق پس از سرنگونی رژیم صدام مستلزم حضور طولانی نیروهای نظامی آمریکایی در عراق می باشد. برخی تحلیلگران از ضرورت استقرار ۷۵۰۰۰ سرباز آمریکایی در عراق برای يك دوره ۱۰ ساله در صورت اجرای طرح جدید آمریکا سخن گفته اند. حمید البیاتی، سخنگوی "مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق" که دو ماه پیش در واشنگتن با مقامات آمریکایی مذاکره رسمی کرده بود، تعجب خود را از موضوع جدید آمریکا اعلام کرد و گفت: "به ما گفته شده بود که آن ها خواستار يك دولت با پایگاه وسیع هستند، بدون هیچگونه نقش مستقیمی برای آمریکایی ها."

اتخاذ موضع جدید از سوی نمایندگان عدم اطمینان ایالات متحده به توان نیرو های هوادار خود در اپوزیسیون ضد صدام در به دست گرفتن کنترل اوضاع پس از تغییر رژیم و از سوی انعکاس ماهیت ارتجاعی طرح های آتی آمریکا برای منطقه خلیج فارس و کل خاورمیانه است. این خبرها همچنین تأیید کننده صحت تحلیل کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق است که در بیانیه ۱۵ اوت خود در مورد طرح آمریکا برای نگه داشتن نیروهای نظامی خود در عراق به بهانه "حفظ ثبات دولت جانشین صدام و ممانعت از ایجاد هرج و مرج" برای مدت طولانی هشدار داده بود. این خبرها بار دیگر اثبات می کند که ایالات متحده مصمم است که به هر قیمتی مانع قدرت گیری نیرو های ترقیخواه عراق و ایفای نقش آنان پس از سرنگونی صدام شود.

در تدارک برای حمله نظامی، ایالات متحده به همراه انگلستان، با تحمیل شرایط خود در رابطه با قطعنامه جدید شورای امنیت، در عمل آن چنان شرایطی را به وجود آورده اند که حمله به عراق را می توان اجتناب ناپذیر خواند. بنا به گزارش های منتشره، این قطعنامه که ابتدا توسط کارشناسان آمریکایی و انگلیسی در وزارت خارجه آمریکا آماده شده بود، قبل از تسلیم آن به شورای امنیت سازمان ملل متحد، به کاخ سفید و پنتاگون برده شد و مواردی به آن اضافه گردید. قطعنامه جدید به گونه ای تنظیم شد که عراق نتواند با آن موافقت کند و لذا شرایطی را بوجود بیاورد که در پناه آن ایالات متحده و انگلستان بتوانند هرچه زودتر به عراق حمله کنند. در واقع چنین قطعنامه یی تنها برای بدست آوردن پوشش قانونی "وکسب" مشروعیت حمایت شورای امنیت سازمان ملل "برای حمله به عراق تهیه شده است.

در رابطه با ویژگی های تحریک آمیز این قطعنامه می توان به موارد زیر اشاره کرد: دسترسی نامحدود بازرسان به سراسر عراق، ایجاد حریم آزاد برای مناطقی که بازرسی می شوند، اجازه فرود هواپیما های نظامی و تجسیسی در خاک عراق، اجازه پرس و جو از هرکس که لازم باشد، حمله به عراق در صورت عدم همکاری این کشور با شورای امنیت.

بر اساس مفاد این قطعنامه پیشنهادی هریک از اعضا دائم شورای امنیت، از جمله آمریکا، می توانند در عراق حضور نظامی داشته باشند. در اساس این قطعنامه اگر به همین شکل تصویب شود اشغال نظامی عراق توسط آمریکا را قانونی خواهد کرد.

"هانس بلیکس" سر بازرس تسلیحاتی سازمان ملل متحد در عراق نیز با تسلیم در برابر فشار های ایالات متحده و انگلستان، در رابطه با شرایط جدید

و با تکرار گفته های "کالین پاول" گفت "لازم است تا قبل از اعزام بازرسان تسلیحاتی به عراق، قطعنامه یی جدید به تصویب سازمان ملل متحد برسد. . . . و باید حاوی شرایط مشخصی برای کار بازرسان در عراق باشد و سخت گیری بیشتری در مقابل کارشکنی احتمالی دولت عراق پیش بینی کند."

رئیس لیگ عرب در سازمان ملل متحد، "یاهیر ماه ماسانی" ضمن محکوم کردن سیاست های ایالات متحده، گفت: "امروز نوبت عراق است، فردا نوبت چه کسی خواهد بود؟ این خطری شوم است و اعضاء شورای امنیت از عواقب آن وحشت دارند." او در ادامه می پرسد "اگر فقط يك قدرت حق سرنگونی رژیم در يك کشور را دارد، شما در کجا قرار گرفته اید؟"

ایالات متحده با دادن وعده و وعید و با سرمایه گذاری های کلان، تلاش دارد تا نیرو های اپوزیسیون عراق را با طرح خود همراه سازد. در رابطه با این تلاش ها، دو حزب اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق، پس از يك دوره طولانی درگیری و اختلاف، در هفته های اخیر دست به يك اتحاد جدید زدند. این دو حزب پس از شش سال وقفه دوباره پارلمان واحدی را در کردستان عراق تشکیل دادند که به نوشته روزنامه البیان چاپ امارات، در افتتاحیه آن، روج نوری شاونس، رئیس مجلس، پیام فرستاده شده از طرف "کالین پاول" را خواند. پاول در این پیام همکاری کردهای عراق با آمریکا را خواستار شده بود.

ایالات متحده همچنین، دوباره به تجهیز مالی و نظامی "کنگره ملی عراق" پرداخته است. در اواسط مهرماه اعلام شد که دولت آمریکا اختصاص بیش از ۵۰ میلیون دلار برای تربیت و تجهیز يك نیروی نظامی تحت کنترل کنگره ملی عراق را برای اپوزیسیون ضد صدام تصویب کرده است. کنگره ملی عراق در سال ۱۹۹۲ تحت نظر سازمان سیا تشکیل شد. این گروه در سال ۱۹۹۵ با پشتیبانی سیا و تحت پوشش هواپیما های نظامی آمریکا و انگلستان به يك حمله نظامی علیه ارتش عراق دست زد که به شکست انجامید و صدها کشته به جا گذاشت. در سال ۱۹۹۸ دولت کلبیتون موافقت کرد تا قریب یکصد میلیون دلار به نیروهای مخالف صدام، به ویژه کنگره ملی، تخصیص داده شود. اما به دلیل رسوایی سیاسی رهبری کنگره ملی و عدم حمایت مردم از آنها، کنگره ملی از فعالیت باز ماند اما با شرایط جدید، ایالات متحده در صدد احیاء دوباره آن آمده است.

با شدت گرفتن احتمال حمله آمریکا به عراق، کشورهای همسایه مواضع متفاوتی را برگزیده اند. دولت ترکیه که سال ها است سیاست سرکوب خلق کرد ترکیه و نیرو های سیاسی کرد را دنبال کرده است، در رابطه با حمله آمریکا اعلام نگرانی کرده است که این حمله می تواند به "تقسیم بندی های" جدیدی در عراق منجر شود که منافع ترکیه را به خطر خواهد انداخت. ترکیه اعلام کرده است که در مقابل تشکیل يك کشور در مناطق شمالی عراق و تحت کنترل نیرو های کرد ساکت نخواهد نشست. در واقع نگرانی ترکیه به مانند ایران، در قبال تجزیه عراق و تشکیل کشور کردستان است که می تواند در مناطق کرد نشین همه کشورهای همسایه عراق نیز تاثیر بگذارد. از سوی دیگر ایران در وضعیتی قرار خواهد گرفت که عملاً آمریکا را در همسایگی خود خواهد داشت و این زنگ خطری دائمی برای رژیم بوده و نگرانی های جدی را برای رژیم بوجود خواهد آورد.

در رابطه با تحولات اخیر، مقامات ایران که تا چندین پیش مواضع کاملاً مخالفی با حمله نظامی آمریکا داشتند، با اتخاذ مواضع جدید در رابطه با حمله آمریکا به عراق، نشان داده اند که به توافق های ضمنی ای رسیده اند. شرکت هیئت نمایندگی مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق، که مرکز اصلی آن در تهران و کنترل آن در دست شخص ولی فقیه است، در مذاکرات ماه اوت در واشنگتن بین دولت آمریکا و برخی نیرو های ضد

داد که بخش‌هایی از آن بدلیل اهمیت آن مخصوصاً در برهه کنونی در ادامه برای اطلاع مبارزان راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی میهن مان درج می‌گردد.

مصاحبه نامه مردم با رفیق اسکار فیگوئرا، دبیر کل حزب کمونیست ونزوئلا



س: رفیق اسکار از اینکه موافقت کردید که به سؤال‌های "نامه مردم" پاسخ دهید بسیار متشکرم. ما برای این چنین تبادل نظر‌هایی به ویژه با توجه با برخی شباهت‌ها بین تحولات کنونی دو کشور اهمیت خاصی قابل هستیم. مخصوصاً که در سال‌های اخیر حزب کمونیست ونزوئلا پس از پشت سر گذاردن یک دوره دشوار مبارزاتی توانسته است به عنوان یکی از گردان‌های اصلی مبارزه انقلابی در ونزوئلا نقشی کلیدی به عهده بگیرد. ما اهمیت خاصی برای مطالعه تجربه حزب شما قابل هستیم.

پاسخ: من نیز باید از شما برای ترتیب دادن این جلسه تشکر کنم. حزب ما احترام فراوانی برای مبارزات حزب توده ایران و رفقای توده‌ای قایل است. ما از دوران دشواری که حزب شما پس از هجوم ارتجاع و سرکوب خونین با آن روبرو بوده، مطلع هستیم. من به خوبی گزارش‌هایی را که نماینده حزب کمونیست ونزوئلا در سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی از دفتر هیئت تحریریه مجله صلح و سوسیالیسم در پراگ و بر پایه تبادل اطلاعات با حزب شما در رابطه با آن دوران دشوار تهیه و ارسال می‌کرد، به خاطر دارم.

به نوبه خود من هم از شما به سبب علاقه‌یی که به مبارزه دشوار مردم ونزوئلا ابراز می‌کنید و همبستگی تان و همین فرصتی که ایجاد کرده‌اید تشکر می‌کنم. این برای ما خیلی مهم است که از طریق چنین تبادل تجربیاتی از درس‌های جنبش کمونیستی و آزادیبخش ملی بیاموزیم. در مقابل ما نیز مایلیم که در رابطه با تحولات ونزوئلا، روندی که در جریان بازسازی حزب و ایجاد شرایط لازم برای ایفای نقش موثر در جنبش مردمی از سر گذرانده‌ایم، تجربیات خود را در میان بگذاریم. برای ما افتخاری است که در بررسی این تجربیات با شما شریک

ادامه در صفحه ۵

حزب کمونیست ونزوئلا: ما از سیاست‌های مردمی "چاوز" حمایت می‌کنیم!

الیگارشی ونزوئلا، خیانت پیشه‌گان و طرفداران امپریالیسم قصد کودتای جدید بر ضد رئیس جمهور دارند

تلاش نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی ونزوئلا برای ساقط کردن هوگو چاوز، رئیس جمهور محبوب و ترقی خواه کشور، در هفته‌های اخیر شدت گرفته است. تظاهرات بزرگ روز ۱۸ مهرماه در کاراکاس که شش ماه پس از کودتای ناموفق قبلی صورت گرفت، شروع علنی این مرحله تازه عملیات براندازی پرزیدنت چاوز محسوب می‌شود. تظاهر کنندگان پلاکاردهایی با مضمون "کودتا یا انتخابات: فرقی نمی‌کند، چاوز باید برکنار شود" با خود حمل می‌کردند. نیروهای دست راستی و ارتجاعی ونزوئلا که در سازمان هماهنگی دموکراتیک متشکل اند، فدراسیون کارفرمایان بخش خصوصی و رهبران خیانت پیشه کنفدراسیون کارگران ونزوئلا که در تدارک این تظاهرات وسیع برای مجبور کردن چاوز به استعفا و یا فراخواندن یک انتخابات زود رس شرکت فعال داشتند، تهدید کرده اند که تا اواخر مهرماه تکلیف رئیس جمهور را یکسره خواهند کرد. طرح اصلی نیروهای راست ایجاد هرج و مرج و درگیری‌های خشونت آمیز در کشور است که در پناه آن بخشی از ارتش اعلام کند که چاوز را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت نمی‌شناسد.

مقامات نظامی ونزوئلا در روز ۱۷ مهرماه خبر افشاء و خنثی کردن یک کودتای نظامی نیروهای دست راستی بر ضد پرزیدنت چاوز را اعلام کردند. ژنرال ملوین لویز، فرمانده عالی رتبه نظامی گفت: "ما اطلاع داریم که نیروهای تجهیز یافته‌ای قصد دارند که از درون راهپیمایان بر روی گارد ملی و نیروهای امنیتی آتش بکشایند. . . اطلاعات ما اینست که این گروه‌ها سلاح‌هایی مشابه ارتش در اختیار دارند". او حضور برخی از نظامیان ضد انقلابی در بین این گروه‌ها را تأیید کرد.

در روز ۱۶ مهرماه نیروهای امنیتی محل اقامت سرهنگ آتونویو گوارا را که متهم به شرکت در کودتا است، مورد بازرسی قرار دادند. پرزیدنت چاوز، انریکو نجارا، وزیر خارجه سابق، را متهم به رهبری کودتا کرد. پرزیدنت چاوز در سخنرانی خود برای کارگران یک کارخانه نساجی در غرب کاراکاس از دست داشتن محافل قدرتمند خارجی در طرح کودتا سخن گفت و اعلام کرد که ونزوئلا به سیاست‌های تحمیلی ساختارهای بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول گردن نخواهد گذاشت. او در اشاره به مخالفت

"صندوق بین‌المللی پول" به گرفتن یک وام ۴ میلیارد دلاری برای حل مشکلات ناشی از رکود اقتصادی حاضر در کشور گفت: "ما طرح‌های آن‌ها را قبول نخواهیم کرد، حتی اگر آنها یک سنت هم به ما ندهند. ما به آنها نشان خواهیم داد که چگونه بر این وضعیت غلبه خواهیم کرد." چاوز گفت "بر طبق صندوق بین‌المللی پول ونزوئلا شرایط دریافت این اعتبار را ندارد ولیکن در روز کودتا، آن‌ها بیانیه‌ای صادر کردند که آماده هستند که به ونزوئلا هرچه نیاز داشته باشد، قرض دهند". چاوز گفت که دولت ونزوئلا از هیچ قدرتی دستور نخواهد گرفت، ما فقط از یک مرکز و آن هم مردم ونزوئلا دستور می‌گیریم. او نیروهای دست راستی را به برنامه ریزی برای کودتا متهم کرد: "برخی از آن‌ها کوشش می‌کنند که اعتصابی را فرا بخوانند که از آن به عنوان بهانه‌ای برای یک کودتا استفاده کنند. اما ما آن‌ها را شکست خواهیم داد."

بخش‌های عمده‌ای از زحمتکشان شهر و روستا و نیروهای مترقی از سیاست‌های هوگو چاوز برای دموکراتیزه کردن حیات اقتصادی-اجتماعی کشور و تثبیت یک خط مشی خارجی مستقل و غیر متعهد حمایت می‌کنند.

هیئت تحریریه "نامه مردم" اخیراً امکان ملاقات و گفتگویی را با رفیق اسکار فیگوئرا، دبیر کل حزب کمونیست ونزوئلا را بدست آورد. در این ملاقات رفیق اسکار در کنار گفتگو در مورد تقویت روابط بین دو حزب به چندین سؤال مصاحبه‌گر "نامه مردم" پاسخ

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 645
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15 October 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک